

بنی‌امیه، به اسلام گروید.<sup>۷</sup> به سال پنجم بعثت، در هجرت دوم مسلمانان به حبشه شرکت کرد<sup>۸</sup> و در آن‌جا دارای دختری به نام حبیبه شد. از این رو، به ام حبیبه مشهور گشت.<sup>۹</sup> بر پایه گزارش‌هایی، عیبدالله اسدی در حبشه مرتد شد و به آیین مسیح درگذشت.<sup>۱۰</sup> برخی بدون اشاره به ارتداد او، بیماری را علت مرگش دانسته‌اند.<sup>۱۱</sup> ام حبیبه که زنی بیوه بود، همچنان بر اسلام خود ماند.<sup>۱۲</sup>

رسول خدا گویا برای دلجویی از ام حبیبه، به سال ششم<sup>۱۳</sup> یا هفتم ق. در نامه‌ای که به دست عمرو بن امیه ضمیری برای نجاشی\* پادشاه حبشه فرستاد، از او خواست ام حبیبه را برای ایشان خواستگاری کند.<sup>۱۴</sup> نجاشی به دستور پیامبر ﷺ رفتار کرد و با فرستادن کنیزی به نام ابرهه نزد ام حبیبه، خواستگاری رسول خدا را به او خبر داد. آورده‌اند که ام حبیبه به

۷. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۴۰.  
 ۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۲۷؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۹۸.  
 ۹. المحبر، ص ۸۸؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۱؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۹۸.  
 ۱۰. السیره النبویه، ج ۴، ص ۳۶۲؛ اسد الغابه، ج ۷، ص ۳۰۳.  
 ۱۱. امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۶۳.  
 ۱۲. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۷۸؛ المحبر، ص ۷۶؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷.  
 ۱۳. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۷۲؛ المحبر، ص ۸۸؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۸۴.  
 ۱۴. المغازی، ج ۲، ص ۷۴۲؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۸؛ الاصابه، ج ۸، ص ۸۰.

بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ مسند الحمیدی: عبدالله بن زبیر الحمیدی (م. ۲۱۹ق.)، به کوشش الاعظمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق؛ من له روایة فی مسند احمد: محمد بن علی بن حمزه (م. ۷۶۵ق.)، به کوشش عبدالمعطی، کراچی، جامعه الدراسات الاسلامیه.

حامد قرائتی



### أم حبیبه: از همسران پیامبر ﷺ و دختر ابوسفیان

رمله<sup>۱</sup> یا هند<sup>۲</sup> مشهور به ام حبیبه، دختر ابوسفیان صخر بن حرب اموی است.<sup>۳</sup> مادرش صفیه بنت ابی‌عاص نیز به بنی‌امیه نسب می‌برد.<sup>۴</sup> گزارشی نامشهور مادرش را آمنه بنت عبدالعزی بن حرثان از بنی‌عدی بن کعب از تیره‌های قریش دانسته است.<sup>۵</sup> وی ۱۷ سال پیش از بعثت در مکه زاده شد<sup>۶</sup> و در آغازین سال‌های بعثت همراه شوهرش، عیبدالله بن جحش اسدی، عمه‌زاده پیامبر ﷺ و هم‌پیمان

۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۷۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۰۱؛ الثقات، ج ۳، ص ۱۳۱.  
 ۲. امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۶۳؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷.  
 ۳. السیره النبویه، ج ۴، ص ۳۶۲؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۷۶-۷۸؛ الطبقات، خلیفه، ص ۶۲۲.  
 ۴. المحبر، ص ۸۸؛ الثقات، ج ۳، ص ۱۳۱؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷.  
 ۵. المستدرک، ج ۴، ص ۲۰.  
 ۶. الاصابه، ج ۸، ص ۱۴۰؛ امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۷۳.

او بود و افزون بر این که عموزاده‌اش به شمار می‌رفت، ام حبیبه، دختر عمه عثمان نیز بود.<sup>۸</sup> این گزارش از آن جهت بعید است که در آن هنگام، عثمان در مدینه بوده است. نیز آورده‌اند که خالد بن سعید به سفیر پیامبر، عمرو بن امیه، برای اجرای عقد وکالت داد و او خطبه را انشا نمود.<sup>۹</sup> فقیهان جواز توکیل در ازدواج را به همین کار رسول خدا ﷺ مستند کرده‌اند.<sup>۱۰</sup>

بر پایه گزارش‌هایی، پس از مراسم عقد، به پیشنهاد ام حبیبه یا خود نجاشی، از این رو که اطعام در ازدواج از سنت‌های انبیاء ﷺ است، مجلس ضیافتی ترتیب داده شد و مهاجران و افراد حاضر اطعام شدند.<sup>۱۱</sup> آن گاه، نجاشی ام حبیبه را با شُرَحْبِیل بن حسنه<sup>۱۲</sup> یا عمرو بن امیه<sup>۱۳</sup> روانه مدینه کرد. اما ذهبی بر آن است که ام حبیبه همراه دیگر مهاجران در یکی از دو کشتی‌ای که نجاشی برای بازگشت ایشان و نیز برخی تازه مسلمانان حبشه تدارک دیده بود، در ایام غزوه خیبر به سال هفتم ق. به

سبب این بشارت، جامه‌ای به ابرهه هدیه کرد<sup>۱</sup> یا از مهریه‌اش ۵۰ مثقال به او داد؛ اما او از پذیرش آن سر باز زد.<sup>۲</sup> مهریه ام حبیبه ۴۰۰۰ درهم<sup>۳</sup> یا ۴۰۰ دینار<sup>۴</sup> گزارش شده که نجاشی خود آن را پرداخت و برای او کابین بسته، وی را به عقد رسول خدا درآورد. این در حالی بود که مهریه دیگر زنان رسول خدا بیش از ۴۰۰ درهم نبود.<sup>۵</sup> به نظر می‌رسد تعیین این مهر بدون هماهنگی با پیامبر بوده است. درباره کسی که عهده‌دار وکالت و اجرای عقد ام حبیبه بود، گزارش‌ها متفاوت است. بر پایه گزارشی، نجاشی مسلمان، ام حبیبه را به عقد پیامبر ﷺ درآورد.<sup>۶</sup> اما سخن مشهور آن است که یکی از عموزادگان ام حبیبه به نام خالد بن سعید بن عاص اموی، از نخستین مسلمانان و مهاجران به حبشه<sup>۷</sup> این کار را انجام داد. برخی نیز آورده‌اند که عثمان بن عفَّان<sup>۸</sup> چنین کرد، زیرا به لحاظ خویشاوندی، نزدیک‌ترین فرد به

۱. تاریخ دمشق، ج ۶۹، ص ۱۴۴؛ امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۶۳.

۲. تاریخ دمشق، ج ۶۹، ص ۱۴۴.

۳. المستدرک، ج ۲، ص ۱۸۱؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۴، ص ۹۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۳.

۴. المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۱۹؛ تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۳؛ امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۶۳.

۵. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۷۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳؛ المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۱۹.

۶. الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۰۳؛ امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۶۳.

۷. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۲۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۹۰، ۴۵۷.

۸. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳؛ اسد الغابه، ج ۷، ص ۳۰۳؛ امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۶۳.

۹. امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۶۳؛ تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۳.

۱۰. امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۷۴.

۱۱. تاریخ دمشق، ج ۶۹، ص ۱۴۳؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۷۷.

۱۲. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۷۸؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۱؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۴، ص ۹۸.

۱۳. امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۶۳؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۴۱.

که با شما دشمنی کردند، پیوند محبت برقرار کند.» (ممتحنه/۶۰، ۷) را درباره این ازدواج دانسته و آورده‌اند که گاه با تألیف قلوب از راه‌های شرعی می‌توان از آزار دیگران کاست یا حتی محبت آنان را به دست آورد. این گروه، برخی ازدواج‌های پیامبر مانند ازدواج او با ام حبیبه را به این منظور دانسته‌اند.<sup>۷</sup> اما برخی مفسران ارتباط این آیه را با ازدواج ام حبیبه مردود شمرده و شماری دیگر صرفاً آن را تطبیق دانسته‌اند.<sup>۸</sup> این در حالی است که بیشتر مفسران، نزول این آیه را درباره اسلام آوردن مشرکان در فتح مکه می‌دانند که مایه مودت میان مسلمانان و آنان شد.<sup>۹</sup>

به سال هشتم ق. هنگامی که پدر ام حبیبه، ابوسفیان، در پی نقض صلح‌نامه حدیبیه از سوی قریش و بیم از واکنش پیامبر، برای تجدید و تحکیم آن پیمان به مدینه آمد، نزد دخترش وارد شد. چون خواست روی فرش بنشیند، ام حبیبه پدرش را فردی مشرک و ناپاک خواند و اجازه نشستن روی فرش رسول خدا ﷺ را به وی نداد. برخی سیره‌نگاران، این رفتار ام حبیبه را برآمده از ایمان قوی وی به

مدینه آمد.<sup>۱</sup> به گزارشی دیگر، پیامبر هنگامی که شنید عمرو بن امیه، ام حبیبه را برای ایشان خواستگاری کرده است، ابوعامر اشعری را برای آوردن وی به حبشه فرستاد و آن دو پیش از دیگر مهاجران به مدینه رسیدند.<sup>۲</sup>

بر پایه گزارشی غیر مشهور، ازدواج ام حبیبه با پیامبر ﷺ نه در حبشه، بلکه پس از بازگشت مهاجران به مدینه صورت گرفت و عثمان عهده‌دار تزویج او بود.<sup>۳</sup> اما گزارش تزویج او در حبشه قوی‌تر است.<sup>۴</sup> سن وی را در این هنگام ۳۰ و چند سال یاد کرده‌اند.<sup>۵</sup>

ام حبیبه از میان همسران پیامبر ﷺ، جز زینب بنت جحش\* که دختر عمه ایشان بود، از لحاظ نسب از دیگران به او نزدیک‌تر بود؛ زیرا هر دو از بنی عبدمناف بودند. نیز مهرش از دیگران بیشتر بود.<sup>۶</sup>

از نظر برخی مفسران اهل سنت، ازدواج پیامبر ﷺ با ام حبیبه مایه مودت میان ایشان و ابوسفیان شد. از این رو، نزول آیه ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً﴾؛ «امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکان

۱. تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۲-۱۳۴.

۲. امتاع الاسماع، ج ۶ ص ۶۳.

۳. المستدرک، ج ۴، ص ۲۰؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۴، ص ۹۸.

۴. امتاع الاسماع، ج ۶ ص ۷۲.

۵. تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۳.

۶. الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۰۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۱۹.

۷. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۷۳؛ تفسیر ماوردی، ج ۵، ص ۵۱۹؛ الدر المنثور، ج ۸، ص ۱۳۰.

۸. تفسیر سمرقندی، ج ۳، ص ۴۱۵؛ المحرر الوجیز، ج ۱۵، ص ۴۹۰؛ البحر المحیط، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

۹. جامع البیان، ج ۱۴، ص ۸۲؛ التبیان، ج ۹، ص ۵۸۱-۵۸۲؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۹، ص ۳۰۲-۳۰۳.

پیامبر دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

بر پایه گزارش برخی مفسران، پس از غزوه‌هایی<sup>۲</sup> که با کسب غنیمت همراه بود و وضع اقتصادی مسلمانان را بهبود بخشید، همسران پیامبر ﷺ از ایشان خواستند تا بر نفقه آنان بیفزاید و زندگی ایشان را گسترش دهد و هر یک خواسته‌ای را یاد کرد. آورده‌اند که درخواست ام حبیبه از پیامبر جامه‌ای سُحُولی<sup>۳</sup> (منسوب به جایی یا قبیله‌ای در یمن)<sup>۴</sup> یا سُحوانی<sup>۵</sup> بود. رسول خدا که توان برآوردن این خواسته‌ها را نداشت، یک ماه از آنان کناره گرفت. سپس آیات ۲۸-۲۹ احزاب/۳۳ در این باره نازل شد و به زنان پیامبر هشدار داد که اگر زندگی پرزرق و برق دنیا را خواهند، می‌توانند از پیامبر جدا شوند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ۖ وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾. با نزول این آیات، همسران پیامبر زندگی مشترک با ایشان را ترجیح دادند.<sup>۷</sup>

همچنین آورده‌اند که پس از نزول آیات تخییر (احزاب/۳۳، ۲۸-۲۹) زنان پیامبر ﷺ ترسیدند که ایشان آنان را طلاق دهد. بدین سبب از وی خواستند همچنان همسر پیامبر ﷺ باشند<sup>۸</sup> و ایشان در تقسیم اوقات و نفقه هر گونه که صلاح دانست، رفتار کند. درباره درخواست‌های ایشان، این آیه نازل شد: ﴿تُرْجَىٰ مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوَىٰ إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ ۖ﴾ «در باره رفتار با همسران و تقسیم اوقات بر آن‌ها نوبت هر یک از آنان را که خواهی، تأخیر انداز (ارجاء) و هر یک را که خواهی، نزد خود جای ده (ایواء)». (احزاب/۳۳، ۵۱) برخی مفسران ام حبیبه را از زنان «ارجاء» دانسته‌اند<sup>۹</sup> و برخی او را از زنان «ایواء» برشمرده‌اند.<sup>۱۰</sup>

از زندگی ام حبیبه پس از پیامبر ﷺ تا هنگام خلافت عثمان، جز میزان سهمیه او از بیت المال به دست عمر، آگاهی چندانی در دست نیست. بر پایه گزارشی، وی هنگام محاصره عثمان به سال ۳۵ ق. در حالی که بر مرکب سوار بود، به قصد دیدار با او پیش آمد و چون از دیدار وی جلوگیری شد، ادعا کرد که قصد دارد وصایای بنی‌امیه را به عثمان

۱. السیرة النبویه، ج ۴، ص ۳۹۶؛ المفاز، ج ۲، ص ۷۹۲-۷۹۳؛ الفقات، ج ۲، ص ۳۸.

۲. البحر المحیط، ج ۸، ص ۴۷۱.

۳. تفسیر ماوردی، ج ۴، ص ۳۹۵.

۴. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۵.

۵. التبیان، ج ۸، ص ۳۳۴.

۶. مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۵.

۷. تفسیر ماوردی، ج ۴، ص ۳۹۶؛ التبیان، ج ۸، ص ۳۳۵.

۸. جامع البیان، ج ۱۲، ص ۳۱؛ اسباب النزول، ص ۳۰۱؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۷۳-۵۷۴.

۹. جامع البیان، ج ۱۲، ص ۳۱؛ روض الجنان، ج ۱۶، ص ۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

۱۰. کشف الاسرار، ج ۸، ص ۷۰؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۳۳.

بقیع و سپس حُشّ کوکب\* بردند.<sup>۷</sup> در عصر خلافت امیر مؤمنان علیه السلام هنگامی که محمد بن ابی بکر، کارگزار ایشان در مصر، به دست عمرو عاص به شهادت رسید، ام حبیبه قوچی را بریان کرد و نزد عایشه، خواهر محمد بن ابی بکر، فرستاد تا از این راه شادمانی خود را از شهادت او اظهار و عقده‌گشایی کند.<sup>۸</sup>

ام حبیبه از روایان حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله بود و افرادی چون برادرش معاویه، عروّه بن زبیر، و دخترش حبیبه از او روایت کرده‌اند.<sup>۹</sup> شمار حدیث‌های گزارش شده از وی در مسند ابن راهویه ۳۴ حدیث و در مسند بقی بن مخلد ۶۵ حدیث است. بخاری و مسلم بر دو حدیث او اتفاق نظر دارند.<sup>۱۰</sup>

به سخن مشهور، سرانجام وی به سال ۴۴ یا ۴۵<sup>۱۱</sup> درگذشت و مروان بن حکم، حاکم مدینه، بر او نماز گزارد.<sup>۱۲</sup> برخی سال وفات او را ۴۲ یا ۵۹<sup>۱۳</sup> یعنی یک سال پیش از مرگ معاویه دانسته‌اند.<sup>۱۴</sup> با توجه به تاریخ ولادت و ازدواجش، سن او به هنگام مرگ حدود ۷۵

یادآوری کند. اما محاصره کنندگان گفته‌های وی را نپذیرفتند.<sup>۱</sup> روایتی دیگر نشان می‌دهد که او در ایام محاصره به عثمان آب رسانیده و حتی بعضی از هواداران عثمان قصد داشته‌اند او را با هودج ام حبیبه از محاصره نجات دهند.<sup>۲</sup> به نوشته ابن شَبّه، ام حبیبه هنگامی که عرصه را بر عثمان تنگ دید، از حجره‌اش به امام علی علیه السلام خطاب کرد: چرا به یاری عثمان نمی‌شتابی؟ امام پاسخ داد: عثمان، خود، چنین خواسته است.<sup>۳</sup> نیز آمده است که بنی‌امیه پس از قتل عثمان، از ترس انقلابیون به ام حبیبه پناهنده شدند.<sup>۴</sup> به گزارشی، ام حبیبه پس از کشته شدن عثمان پیراهن خون‌آلود وی را همراه نعمان بن بشیر انصاری نزد برادرش معاویه، به دمشق فرستاد.<sup>۵</sup> نیز در رویداد حمل جنازه عثمان به سوی مسجد النبی برای خاکسپاری، چون این اقدام با جلوگیری مردم روبه‌رو شد، ام حبیبه برابر در مسجد توقف و تهدید کرد که اگر اجازه خاکسپاری عثمان داده نشود، موهای خود را پریشان خواهد کرد.<sup>۶</sup> چون شب فرارسید، چند تن جنازه را به

۷. تاریخ المدینه، ج ۴، ص ۱۲۳۸-۱۲۴۰.

۸. احادیث ام المؤمنین عایشه، ج ۱، ص ۳۵۰.

۹. تاریخ دمشق، ج ۶۹، ص ۱۳۰-۱۳۱؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۴۲.

۱۰. مسند ابن راهویه، ج ۴، ص ۶.

۱۱. تاریخ دمشق، ج ۶۹، ص ۱۴۶؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷.

۱۲. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰.

۱۳. الثقات، ج ۳، ص ۱۳۱.

۱۴. المحبر، ص ۹۹.

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۱۷؛ البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۱۵۰.

۲. تاریخ المدینه، ج ۳، ص ۱۳۱۲-۱۳۱۳.

۳. تاریخ المدینه، ج ۴، ص ۱۲۱۴.

۴. الغدیر، ج ۹، ص ۱۹۸.

۵. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۹؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۹۱.

تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۵۳۹.

۶. الغدیر، ج ۹، ص ۲۱۰.

سال بوده است. به باور ذهبی، این گزارش که او یک سال پیش از مرگ معاویه در گذشته، و همی بیش نیست و گویا با سال وفات ام سلمه\* از دیگر همسران رسول خدا ﷺ اشتباه شده است.<sup>۱</sup>

مکان درگذشت ام حبیبه را مدینه دانسته‌اند<sup>۲</sup>؛ هر چند برخی از سفر او به دمشق برای دیدار با برادرش معاویه یاد کرده و محل دفن او را نیز همان جا دانسته‌اند.<sup>۳</sup> در گورستان باب الصغیر دمشق، قبری به وی منسوب است.<sup>۴</sup> به گزارشی، عقیل بن ابی طالب هنگام حفر چاهی در منزلش به سنگ‌نوشته‌ای برخورد کرد که حاکی از قبر ام حبیبه در آن مکان بود. از این رو، چاه را پر کرد و بر روی آن قبه‌ای ساخت.<sup>۵</sup>

### ◀ منابع

احادیث ام المؤمنین عائشه: السید مرتضی العسکری، التوحید، ۱۴۱۴ق؛ اسباب النزول: الواحی (م. ۴۶۸ق.)، به کوشش ایمن صالح، قاهره، دار الحدیث؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش علی معوض و عادل عبدالوجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه،

۱۴۱۵ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی معوض و عادل عبدالوجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد شاکر؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البحر المحیط: ابوحیان الاندلسی (م. ۷۵۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۲ق؛ البدایة و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی محمد و عادل احمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ المدینة المنوره: ابن شنبه (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ التیبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر سمرقندی (بحر العلوم): السمرقندی (م. ۳۷۵ق.)، به کوشش محمود مطرحی، بیروت، دار الفکر؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ تفسیر ماوردی (النکت و العیون): الماوردی (م. ۴۵۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ الثقات: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، به کوشش شرف الدین، هند، وزارت معارف و شؤون فرهنگی؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الدر المنثور:

۱. تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۴؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۴، ص ۱۴۰.
۲. الاصابه، ج ۴، ص ۲۹۸.
۳. تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۲.
۴. سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۹۸.
۵. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۰.

مارسدن جونس، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۹ق؛  
**الوافی بالوفیات**: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به  
 کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار  
 احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

سید محمود سامانی



### أمرای مدینه: حاکمان مدینه در دوره اسلامی از آغاز تا کنون

امرا جمع امیر از ماده (ا-م-ر) به معنای  
 والی، صاحب فرمان، فرمانده و پادشاه است.<sup>۱</sup>  
 مدینه دومین شهر مهم در اسلام از لحاظ  
 مذهبی و فرهنگی و در برهه‌ای از لحاظ  
 سیاسی بوده است. این شهر از هنگام زندگانی  
 پیامبر گرامی ﷺ تا سال ۳۵ق. مرکز حکومت  
 اسلام و پس از رحلت آن بزرگوار، به سبب  
 در بر گرفتن حرم شریف ایشان که تمام  
 مسلمانان زیارت آن را بر خود لازم می‌دانند<sup>۲</sup>  
 و نیز به دلیل سکونت اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه  
 بزرگ پیامبر در آن، از جایگاهی ویژه  
 برخوردار بوده است. خلفای اموی و عباسی  
 همواره یکی از وابستگان خود را به امارت آن  
 منصوب می‌کردند. امیران مدینه بسته به

السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الفکر،  
 ۱۴۱۴ق؛ **روض الجنان**: ابوالفتوح رازی  
 (م. ۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد،  
 آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ **سفرنامه ابن  
 بطوطه (رحلة ابن بطوطه)**: ترجمه: موحد،  
 تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش؛ **السنن  
 الكبرى: البيهقي** (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛  
**سير اعلام النبلاء: الذهبي** (م. ۷۴۸ق.)، به  
 کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله،  
 ۱۴۱۳ق؛ **السيرة النبوية: ابن هشام**  
 (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به کوشش السقاء و دیگران،  
 بیروت، المكتبة العلمية؛ **الطبقات: خليفة بن  
 خياط** (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش زکار، بیروت، دار  
 الفکر، ۱۴۱۴ق؛ **الطبقات الكبرى: ابن سعد**  
 (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر،  
 بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **الغدیر:  
 الاميني** (م. ۳۹۰ق.)، تهران، دار الکتب  
 الاسلامیه، ۱۳۶۶ش؛ **مجمع البيان: الطبرسي**  
 (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛  
**المحبر: ابن حبيب** (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه  
 لیختن شتیتز، بیروت، دار الأفاق الجدیده؛  
**المحرر الوجيز: ابن عطية الاندلسي** (م. ۵۴۶ق.)،  
 به کوشش المجلس العلمی بفاس، ۱۴۱۱ق؛  
**مروج الذهب: المسعودی** (م. ۳۴۶ق.)، به  
 کوشش مفید محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه؛  
**المستدرک علی الصحیحین: الحاکم**  
 النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی،  
 بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مسند ابن  
 راهويه: اسحق بن راهويه** (م. ۲۳۸ق.)، به  
 کوشش البلوشی، المدینه، مکتبة الایمان،  
 ۱۴۱۲ق؛ **معجم البلدان: ياقوت الحموي**  
 (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **المعجم  
 الكبير: الطبراني** (م. ۳۶۰ق.)، به کوشش حمدی  
 عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛  
**المغازی: الواقدي** (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش

۱. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۶-۲۷؛ الصحاح، ج ۲، ص ۵۸۱؛ تاج  
 العروس، ج ۶ ص ۳۲، «امر».  
 ۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۲؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱،  
 ص ۹۵۳-۹۵۴؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۵۲.